

## The Scope of Financial Rights of the Wife in Imami Jurisprudence and the Legal System of Iran and France

**Maryam Kohansal Kalkenari<sup>1</sup>, Mohammad Javad Bahreini<sup>2\*</sup>, Alireza Asgari<sup>3</sup>**

1. PhD Student of Private Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor of Law Department, Jamia Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom, Iran.

3. Associate Professor of Law Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 1047-1064

**Article history:**

**Received:** 16 Feb 2023

**Edition:** 24 Feb 2023

**Accepted:** 03 Mar 2023

**Published online:** 20 Mar 2023

### Keywords:

Woman, Family, Wife's Rights, Financial Law, Imami Jurisprudence, French Law.

### Corresponding Author:

Mohammad Javad Bahreini

### Address:

Iran, Qom, Jamia Al-Mustafa Al-Alamiya University, Department of law.

### Orchid Code:

0009-0002-9902-0441

### Tel:

09127519864

### Email:

mjbahreini@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and purpose:** The wife's financial rights, as one of the most important topics of family law, has always been the focus of jurists and jurists; However, it still faces shortcomings. The purpose of this article is to examine the scope and effects of the wife's and the legal system of Iran and France.

**Materials and Methods:** The present article is theoretical and the analytical descriptive method was used. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** The findings showed that Iran's legislator uses a punitive approach for dowry and payment guarantee, and in French law, the amount of a wife after divorce. Iranian the equality of duties between husband and wife to be correct and in many cases refers to the justice of rights and duties between them, on the other hand, the French legislator considers the rights of husband and wife to be equality and not justice.

**Result:** The result is that in Iranian law, a woman has financial independence and can take any possession of her property. The income that a woman earns from her work and economic activity is also considered part of her property, and the woman has the right not to give this income to her husband. In French law, the common property of men and women prevails.

Cite this article as:

Kohansal Kalkenari, M; Bahreini, MJ; Asgari, A. *The Scope of Financial Rights of the Wife in Imami Jurisprudence and the Legal System of Iran and France*. Documents. Economic Jurisprudence Studies. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

### قلمرو حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و فرانسه

مریم کهنسال کلکناری<sup>۱</sup>، محمدجواد بحرینی<sup>۲\*</sup>، علیرضا عسگری<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** حقوق مالی زوجه، به عنوان یکی از مهم ترین مباحث حقوق خانواده، همواره مورد توجه فقها و حقوق دانان بوده است؛ با این وجود، همچنان با کاستی های مواجهه است. هدف مقاله حاضر بررسی قلمرو و آثار حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و فرانسه است.

**مواد و روش ها:** مقاله حاضر نظری بوده و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

**یافته ها:** یافته ها نشان داد حقوق ایران تساوی برای تکالیف بین زن و شوهر را درست نمی داند و در بسیاری موارد به عدالت حقوق و تکالیف بین آنها اشاره می کند؛ از سوی دیگر قانون گذار فرانسوی حقوق زن و شوهر را دارای تساوی و نه عدالت می داند. در حقوق ایران مواردی چون فقه، مهریه و اجرت المثل از حقوق مالی زنان است؛ اما در حقوق فرانسه عمدتاً نظام مالی مشترک حاکم است.

**نتیجه:** نتیجه اینکه در حقوق ایران، زن دارای استقلال مالی است و می تواند نسبت به اموال خود هرگونه تصرفی را انجام دهد. درآمدی که زن از کار و فعالیت اقتصادی خود به دست می آورد نیز جزء دارایی وی محسوب می شود و زن این اختیار را دارد که این درآمد را در اختیار زوج قرار ندهد. در حقوق فرانسه اموال مشترک زن و مرد حاکم است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۶۴-۱۰۴۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

#### واژگان کلیدی:

زن، خانواده، حقوق زوجه، حقوق مالی، فقه امامیه، حقوق فرانسه.

نویسنده مسئول:

محمدجواد بحرینی

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-0002-9902-0441

تلفن:

۰۹۱۲۷۵۱۹۸۶۴

پست الکترونیک:

mjbahreini@yahoo.com

## ۱. مقدمه

امروزه مرزهای بین فعالیت زنان و مردان بسیار کم‌رنگ شده است (صادق‌ی ۱۳۹۷، ۴۷-۶۰). این تحولات از یک سو و تغییر شیوه‌ی ازدواج که، سابقاً در بین اقوام و آشنایان و طایفه و فامیل صورت می‌گرفت؛ تأثیرات مهمی حداقل بر روابط مالی حاکم بین زوجین گذاشته است. در گذشته موارد طلاق بسیار اندک بود و حتی اگر طلاقی هم صورت می‌گرفت مهریه به‌صورت کامل پرداخت نمی‌شد. در حقیقت تعیین مهریه‌های سنگین در عمل مشکلی ایجاد نمی‌نمود؛ ولی امروزه آمار طلاق رو به‌افزایش است؛ و نه‌تنها زنانی که طلاق می‌گیرند مهریه را به اجرا می‌گذارند، حتی در زمان زندگی مشترک نیز برخی زنان مهریه را به اجرا می‌گذارند. ضرورت این پژوهش، از این جهت است که حقوق زن بسیار اهمیت دارد و از سوی دیگر قانون ایران در بسیاری موارد برگرفته از قانون فرانسه است؛ لذا نیازمند بررسی حقوق زن در این دو نظام حقوقی هستیم. هدف اصلی مورد بررسی در این پژوهش تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های حقوق مالی زن در حقوق ایران و فرانسه است. قانون اساسی ایران برگرفته از فقه اسلامی به بیان حقوق زن پرداخته، این در حالی است که قانون فرانسوی از رویکرد سکولاریسم برای تعریف حقوق و تکالیف زن استفاده کرده است. خاصیت مطالعات تطبیقی آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نظام‌های حقوقی پیرامون مسائل و موضوعات مختلف و امکان اینکه از برخی تأسیسات حقوقی می‌توان در نظام حقوقی داخلی نیز استفاده کرد یا نه؛ مشخص می‌شود. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌ها این است که در این مقاله، قلمرو حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و نظام

حقوقی ایران و فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به‌آنچه گفته شد در مقاله حاضر بررسی این سوال مهم است که قلمرو و آثار حقوق مالی زوجه در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران و فرانسه چگونه است؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره، ابتدا قلمرو و در ادامه آثار حقوق مالی زن در حقوق ایران و فرانسه بررسی می‌شود.

## ۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر نظری بوده و از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد که قانون‌گذار ایران برای مهریه و ضمانت پرداخت از رویکرد مجازاتی استفاده می‌کند و در حقوق فرانسه مقدار مهریه زن بعد از طلاق به طور کامل ضبط و در اختیار زوجه قرار می‌گیرد. برتری حقوق ایران به‌حقوق فرانسه در خصوص تکالیف زن این است که حقوق ایران تساوی برای تکالیف بین زن و شوهر را درست نمی‌داند و در بسیاری موارد به‌عدالت حقوق و تکالیف بین آنها اشاره می‌کند؛ از سوی دیگر قانون‌گذار فرانسوی حقوق زن و شوهر را دارای تساوی و نه عدالت می‌داند.

## ۵. بحث

در این قسمت مبانی نظری پژوهش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱. نفقه زن در حقوق ایران و فرانسه

تلف شدن اموال را نفقه تعریف کرده‌اند؛ همچنین این مفهوم به معنی خرج شدن نیز به کار می‌رود. این مفهوم علاوه بر این به معنی خرج کردن است که برای اهل و عیال استفاده می‌شود (دهخدا، ۱۳۸۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۷۷). از سوی دیگر کلمه انفاق به معنی دادن مال در راه ثواب است. از منظر اسمی این کلمه از مصدر انفاق است (عباس‌زاده محمودی؛ میر، ۱۳۹۶، ۲۰۳). طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه شامل کلیه نیازهایی است که برای زن وجود دارد و این نیازها باید به صورت متعارف توضیح داده شود و در عرف مورد پذیرش باشد» نکته قابل توجه این است - که هم طبق فقه و هم طبق قانون، تهیهی لوازم منزل بر عهدهی مرد گذاشته شده است و اینکه در حال حاضر تهیهی جهیزیه را خانوادهی دختر بر عهده می‌گیرند مبنای فقهی و قانونی ندارد، یکی از دلایلی که ما در بحث حقوق مالی زوجه به طور مجزا به بحث جهیزیه نپرداختیم همین امر است که بحث جهیزیه در ذیل عنوان نفقه بر عهدهی زوج قرار می‌گیرد. در بیان شرایط وجوب نفقه بین فقها عظام اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند بلافاصله پس از عقد نفقه زن واجب است و برخی دیگر معتقدند زوجه تنها پس از احراز تمکین مستحق نفقه خواهد بود.

### ۵-۱-۱. جایگاه نفقه در حقوق ایران و فرانسه

در این قسمت از جایگاه نفقه زن در حقوق ایران و فرانسه بحث می‌شود.

### ۵-۱-۱-۱. در حقوق ایران

آنچه که مسلم است بسیاری از فقها به مصادیقی مانند: «خوراک، پوشاک و مسکن» به عنوان مصادیق نفقه به صراحت اشاره کرده‌اند. به باور برخی از نویسندگان؛ خوراک، پوشاک و مسکن نمونه‌های مشهور و بارز نفقه‌اند نه موضوعات انحصاری آن. در همین خصوص برخی دیگر از نویسندگان بر این باورند که «فقها اتفاق دارند نفقه زن در انواع سه‌گانه خوراک، پوشاک و مسکن واجب است» (امامی، ۱۳۹۰، ج ۳، ۷۶). با وجود این که این حقوق دانان به صراحت باور داشتند که مصادیق نفقه در مادهی ۱۱۰۷ قانون مدنی حصری است و نه تمثیلی ولی دست به تفسیر موسع و یا به عبارت بهتر دست به اجتهاد در مقابل نص زده و بر این باور بودند که «آنچه در مادهی ۱۱۰۷ آمده حصری نیست و هر چیزی که بر حسب متعارف مورد احتیاج زن باشد جزو نفقه است و مرد باید آن را برای زن فراهم کند» (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۵، ۷۸). بر طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن می‌شود مثل مسکن، پوشاک، غذا، اثاثیه منزل و هزینه‌های درمان و حتی خادم البته در صورتی که زن عادت به داشتن خادم داشته باشد و یا به واسطه مریضی نیاز به آن داشته باشد. موارد ذکر شده در این ماده حصری نیست و به عنوان مثال ذکر شده است. قاعده کلی این است که حقوق زوجه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با شأن زن است. از ملاک‌های مهم کارشناس برای تعیین حقوق زوجه نیازهای زوجه و شأن او می‌باشد.

## ۵-۱-۱-۲. حقوق فرانسه

قانون فرانسه مسئولیت تضامنی را نسبت به زوج و زوجه مورد تعریف قرار داده است. مسئولیت تضامین در این حالت شامل هزینه‌های گذران زندگی است. در این حالت هر یک باید بر اساس میزان درآمدی که کسب می‌کنند، بودجه خانواده را تأمین کنند. وقتی زن در خانه کار می‌کند به این معنی است که بخشی از هزینه‌های مشترک زندگی را پوشش می‌دهد. در صورتی که یکی از طرفین درآمد کافی نداشته باشند طرف دیگر نیاز است که این کمبود را در خانه جبران نماید (ایوزی، ۲۰۲۰).

در قانون فرانسه نفقه براساس میزان نیاز زوجه تعریف می‌شود و شامل هزینه‌های مشترک زندگی نمی‌شود. بلکه مرتبط با هزینه‌های شخصی و سرگرمی‌های مورد نیاز زوجه است (بزز و همکاران، ۲۰۱۵، ۱۳۷). زمانی که اوضاع تغییری در زندگی زوجین به وجود نمی‌آورد شرایط برای تصمیم‌گیری برای ادامه زندگی بر عهده هر دو طرف است. اگر مایل به ادامه زندگی هستند باید یا کار بهتری انجام دهند و یا درآمد بیشتری جذب کنند و در صورت عدم توانایی زوج باید بتواند نفقه زوجه را به صورت کامل پرداخت نماید و این موضوع تا پایان عمر زوجه حاکم است. آموزش‌دادن به طرفین برای یک زندگی مشترک امری ضروری است که مورد پذیرش قرار گرفته است. این امر مقدمات افزایش درآمد برای زوج را باید فراهم کند. از سوی دیگر ازدواج مجدد پس از طلاق زوجه موجب سقوط وی از پرداخت نفقه به همسر اول نمی‌شود؛ همچنین گزاره‌هایی که سبب دشواری همسر می‌شود نیز وظیفه او از پرداخت نفقه را ساقط نمی‌کند (ماسو؛ تیری، ۱۹۹۹). در حقوق فرانسه، زوج برای مادام‌العمر وظیفه حمایت از زن را بر عهده دارد

و نفقه تعهدی است که طی آن یک نفر که دارای امکانات بوده مکلف به تأمین امرار معاش (نفقه) شخص دیگری می‌باشد. در این کشور، تکلیف معاضدت و یاری و تعهد مشارکت در مخارج ازدواج مبنای رابطه نفقه میان زوجین را تشکیل می‌دهد.

## ۵-۱-۲. امتیازها و ویژگی‌های نفقه زن در

### حقوق ایران و فرانسه

مطابق ماده ۱۲۰۳ ق.م.م. مرد موظف به پرداخت نفقه زن است و نفقه زن بر هر نوع نفقه پرداختی دیگر ضروری است و باید پرداخت شود: ۱- یک‌جانبه بودن نفقه: در قانون‌گذاری ایران و فقه اسلامی نفقه پرداختی به زوجه یک حق مسلم بر وی است که بر گردن زوج قرار دارد. همچنین زن نیازی به پرداخت نفقه به شوهر خود را ندارد و نفقه در اصطلاح یک‌جانبه است. در حقوق فرانسه، هر کدام از اشخاص مذکور در ماده ۲۰۵ قانون مدنی ملزم به پرداخت نفقه هستند که با توجه به شرایط پرداخت نفقه متفاوت است (چتریوت، ۲۰۱۸، ۲۸). ۲- عدم تأثیر فقر و تمکن زن و شوهر: نفقه پرداختی به زن به تمکین بستگی دارد. زمانی که تمکین صورت می‌گیرد؛ نفقه قابل پرداخت است. این موضوع در ماده ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ قانون مدنی تأیید شد است؛ به عبارتی نفقه یک تعهد معاوضی ایجاد می‌کند. برخلاف شرایط اقارب که از مرحله وجوب مواسات صورت می‌گیرد. عدم تأثیر فقر و تمکین زن و شوهر در این خصوص مورد تأیید قرار گرفته است. ۳- قابل مطالبه بودن نفقه گذشته: نفقه زن بر اساس شرایط دیون تعریف می‌شود. زن در این حالت می‌تواند به رویکرد معاوضی توسل بجوید؛ چرا که نفقه زوجه یک رویکرد معاوضی بودن دارد. نفقه زوجه در این حالت بر اساس

### ۵-۱-۳. ضمانت اجرای نفقه در حقوق ایران و

#### فرانسه

در حقوق اسلام و ایران و همچنین در حقوق فرانسه برای تعهد به انفاق، دو نوع ضمانت اجرای (مدنی و کیفری) در نظر گرفته شده است.

#### ۵-۱-۳-۱. ضمانت اجرای مدنی

تدوین‌کنندگان قانون مدنی ایران، جهت ضمانت اجرای مدنی نفقه، دو شیوه الزام به پرداخت و طلاق را مقرر داشته‌اند: ۱- الزام به پرداخت: الزام به پرداخت نفقه در قانون ایران مورد تأیید است. در شرایطی که تمکین صورت گیرد الزام به پرداخت ضروری است. نشوز زوج نیز در این امر مسئله مهمی به‌شمار می‌رود. این موضوع در ماده ۱۱۱۱ مورد تأیید است. همچنین در ماده ۱۲۰۵ قانون مدنی نیز موضوع استنکاف مورد بحث قرار گرفته است و الزام به پرداخت نفقه در صورت نشوز زوج مورد تأیید بود. علاوه بر این مقدار نفقه و نوع پرداخت نیز از منظر قانونی مشخص شده است که بر اساس الزام به پرداخت صورت می‌گیرد. ۲- طلاق: عجز می‌تواند دلیلی بر طلاق باشد. طلاق مجوزی است که از طرف زوجه وارد می‌شود. این رویکرد بر اساس استنکاف و همچنین ضمان پرداخت به تعهد برای نفقه شکل می‌گیرد. مواد ۱۱۱۲ و ۱۱۲۹ نشان‌دهنده الگوهای مرتبط با طلاق برای زوجه در صورت عجز یا استنکاف است. اکثر حقوق‌دانان بر مبنای ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی نفقه را شامل زمان برای آینده می‌دانند. این ماده موضوع حرج و ضرر را شامل می‌شود و قائل به فسخ است. از سوی دیگر زن بر مبنای این ماده حق فسخ و حق طلاق بر اساس حرج و ضرر را دارد. این حق دوگانه است. یعنی علاوه بر اینکه منافع زن را

درخواست از شوهر صورت می‌گیرد و می‌تواند مورد تأیید قرار گیرد که بر اساس ماده ۱۲۰۶ مورد بررسی است. این موضوع در مذهب حنفیه نیز مورد تأیید است. ۴- تناسب با وضع اجتماعی زن: باید برای پرداخت نفقه تناسب با وضع اجتماعی زن وجود داشته باشد. نفقه زوجه باید متناسب باشد. این موضوع در ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی مورد تأیید و استناد به نفقه اقارب برای آن صورت گرفته است. در حقوق فرانسه تمکن متعهدله عنصر مهمی در پرداخت میزان نفقه ثبت شده است. ۵- ممتاز بودن طلب زن بابت نفقه: مواد ۲۲۶ قانون امور حسبی مصور ۱۳۱۹ و ماده ۵۸ قانون تصیفه ورشکستی در کنار ماده ۱۲ قانون حمایت از خانواده از عناصری هستند که موضوع نفقه را مورد تأیید قرار داده‌اند. نفقه در این حالت مورد پذیرش است و یک رویکرد صحیح برای کارکردهای کفالت اموال برای پرداخت دیون به‌شمار می‌رود. بر اساس این رویکرد بدهی‌ها بر میزان نفقه مقدم خواهند بود و بر اساس قانون عام نفقه و پرداخت آن باید مورد تأیید قرار گیرد (ملائی، ۱۳۹۹، ۶۰). نفقه یکی از بزرگترین و مهم‌ترین امتیازات زوجه بوده و در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی زوجه بعد از نکاح است که زوج متعهد به پرداخت آن می‌شود و البته عدم پرداخت آن نیز یکی از عوام مؤثر در فروپاشی کانون خانواده محسوب می‌گردد. در حقوق ایران تکلیف پرداخت نفقه تکلیفی یک جانبه محسوب می‌شود و تنها زوج مکلف به پرداخت نفقه به‌زوجه می‌باشد، در حالی که در حقوق فرانسه وضعیت نفقه به‌گونه دیگری می‌باشد و یک تکلیف دوجانبه است. طب موازین حقوقی ایران، چنانچه زوج از پرداخت نفقه زوجه استنکاف ورزد، حاکم وی را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند.

است، این جرم در قانون جزای قدیم مورد تأیید است (چتریوت، ۲۰۱۸، ۳۷). ضمانت اجرای حقوقی عدم پرداخت نفقه زن، ناظر به حالتی است که زن از طریق دادگاه های حقوقی، اقدام به ارائه دادخواست حقوقی مطالبه نفقه نماید و مرد، پس از صدور حکم، از پرداخت نفقه تعیین شده یا نفقه معوقه، خودداری کند. در حقوق ایران، ضمانت اجرای خودداری از پرداخت نفقه، در موارد کیفری، حبس خواهد بود که در این شرایط، تا زمان رسیدگی به پرونده، مرد می تواند، برای آزادی موقت، اقدام به معرفی ضامن یا همان کفیل نماید.

#### ۵-۱-۴. آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه

در فقه اسلامی بر مبنای حق زن و مرد نفقه در نظر گرفته شده است. نفقه در این حالت تأمین هزینه های و نیازها زن است که جزو هزینه های زندگی به شمار نمی رود (مطهری، ۱۳۹۰، ۲۳۰). بر مبنای ماده ۱۰۷ قانون مدنی: «ریاست مرد بر خانواده مورد تأیید است؛ اما ریشه قراردادی ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱۵۸). ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی این موضوع را مورد تأیید قرار داده است که پرداخت نفقه از موجبات تشدید مبنای خانواده است. این رویکرد به احسان زوجه باز می گردد و یکی از لوازم صیانت از خانواده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳، ۱۶۲). ممکن است نفقه به صورت اموال در اختیار زن قرار گیرد؛ در این حالت این سؤال مطرح می شود که آیا اموال در انتفاع اثرگذار هستند و تملیک می تواند حق زن را محفوظ نگه دارد. قاعده فقهی بر این امر استوار است که اموال به دلیل ارزش ثمنی که دارد قادر است، قائل به حق نفقه باشد و حقوق مالکانه مرتبط با آن برای زنان در

شامل می شود شامل حاشیه های منافع (سایر هزینه های زندگی مرتبط با نیازهای زن) را شامل می شود. از سوی دیگر دادگاه طلاق را بر مبنای خواسته زوجه تشکیل می دهد که در ماده ۲۱۴ قانون مدنی فرانسه و ماده ۸۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه مورد تأیید قرار گرفته است (ایوزبی، ۲۰۲۰). علت این امر وضعیت شخص حقوق بگیری است که باید نیازهای زندگی را تأمین کند. دادگاه در این حالت تأمین کننده وضعیت برای شخصیت حقوق بگیری است. در این حالت دادگاه به همسر اجازه می دهد که از کارفرمای بخشی از حقوق را با توجه به نیازی که فرزندان دارد بین آن ها تقسیم کند. این رویکرد به پرداخت مستقیم مستمری برای نفقه معروف است.

#### ۵-۱-۳-۲. ضمانت اجرای کیفری

قانون ایران ضمانت اجرایی کیفری برای عدم پرداخت نفقه در نظر گرفته است. این موضوع بر مبنای ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده و ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مورد بررسی است. در این حالت برای عدم پرداخت کیفر تعزیری در نظر گرفته شده است. این عدم پرداخت کیفر تعزیری تعیین کننده شرایط مرتبط با نفقه است (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۵۲۳). قانون فرانسه بر مبنای سال ۱۹۲۸ نفقه را جزو مقررات کیفری قرار نداده است. این رویکرد سبب شده است که قانونگذاران مجازات حبس را برای کسانی که به صورت ارادی از پرداخت نفقه امتناع کردند مورد تأیید قرار می دهد. ترک انفاق در قانون فرانسه از معیارهای جرم به شمار می رود و به میزان ارادی بودن امتناع از پرداخت و ترک عمدی آن باز می گردد. در مجموع برای امتناع یا ترک انفاق دو سال حبس و صد هزار فرانک جریمه نقدی در نظر گرفته شده

نظر گرفته می‌شود. اذن انتفاع مال در این حال به معنی پرداخت نفقه به زن است. در صورتی که مرد اذن انتفاع را داده باشد، می‌توان گفت که زن صاحب انتفاع است و تصرف مالکانه برای وی صورت می‌گیرد. تصرفات زن در اموال باید معقول باشد و بر اساس شرع اسلام صورت گرفته باشد و زیادت از حد نباشد. اموال در این حالت می‌تواند به اموال خویش برای زوجه تبدیل شود و حق هر گونه تصرف در آن برای زوجه محفوظ می‌ماند. در این حالت زن هر گونه تصرف در اموال را مورد تأیید قرار می‌دهد و این اموال جز اموال خویش محسوب می‌شوند (عباس‌زاده محمودی؛ میر، ۱۳۹۶، ۲۰۸). شرط وجوب نفقه بر مبنای ماده ۱۱۱۳ ماده قانون مدنی مطرح شده است که مورد تأیید حقوق دانان و فقهای امامیه است و این اصل بیان می‌دارد هک عقد دائم و تمکین شروط اصلی وجوب نفقه هستند که در ماده ۱۱۰۳۶ قانون مدنی نیز مورد تأیید است؛ همچنین در ماده ۱۱۱۳ موضوع نفقه همسر را مطرح می‌کند که در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد و در عقد موقت این شکل صورت می‌گیرد. قانون مدنی نیز با اینکه بر مبنای عقد نکاح موقت مطرح شده است؛ اما گزاره‌های مرتبط با آن با توافق طرفین مورد بررسی است و تابع آن است. این موضوع بر اساس قراردادی است که در عقد موقت اجرا شده است و اصل وجوب نفقه در این حالت به تعهداتی مرتبط است که در صیغه عقد موقت ارائه شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱۷۴).

حقوق فرانسه یک کارکرد اصلی برای حمایت از زن تعریف کرده است. قانون‌گذار نفقه بعد از طلاق را نیز تأیید کرده است به صورتی که در ماده ۳۰۱ قانون فرانسه طلاق عامل دفع و قطع طلاق نفقه نیست. این موضوع الزام به تأیید حق زوجه در قانون فرانسه است.

در قانون فرانسه ذکر شده است که حمایت پرداخت نفقه به زوجه از سوی زوجه مادام العمر است. به عبارتی زوج ملزم به پرداخت حق نفقه تا پایان عمر برای زوجه است. به عبارتی پرداخت نفقه به وظیفه دایمی برای زوجه به‌شمار می‌رود که باید آن را پرداخت کند. این موضوع در مواد قانونی پیش از سال ۱۹۷۵ به‌خوبی بیان شده است (چتریوت، ۲۰۱۸، ۳۰). قانون‌گذار فرانسه طلاق را یک خطا برای زوج در نظر می‌گیرد و برای جریمه کردن وی خسارت مادی مشخصی را در نظر می‌گیرد که باید برای پرداخت به زوجه در نظر بگیرد. پرداخت خسارت در این حالت بر اساس نفقه صورت می‌گیرد. این موضوع قانون سال ۱۹۷۵ به قبل مورد تأیید قرار گرفته است (محسنی، ۱۳۹۷، ۱۳۲). شرایط وجوب نفقه برای حقوق فرانسه شامل موارد متعددی است که بر اساس امکانات متعهد انفاق مورد تأیید قرار می‌گیرد این موضوع در ماده ۱۴۲ قانون مصور ۱۹۹۱ و قانون ۱۹۹۳ مورد تأیید قرار گرفته است و نفقه یک حق مسلم برای زوجه است که به‌صورت تعهد قانونی برای زوج نسبت به پرداخت آن تعریف می‌شود. این حق قابل واگذاری نیست و روابط خانوادگی میزان احساسات زوج و زوجه بر روی آن اثرگذار نیست. به عبارتی بدهکاری نفقه در این حالت مورد تأیید قانون‌گذار و یک تعهد الزام‌آور به پرداخت برای زوج است. تعهد به پرداخت نفقه ملزم به استیفا از اموال نیز می‌شود و این حق را ضروری می‌سازد تا اموال نیز مورد استیفا قرار گیرد. این موضوع در صورتی مورد تأیید است که تعهدات مورد حمایت قانونی باشد که در قانون فرانسه بر مبنای قانون مصوب ۱۹۹۳ مورد تأیید است (بویگول؛ دزلالی، ۱۹۹۷، ۸). در فرانسه میزان تعهد به نفقه پرداختی به‌صورت دوطرفه بحث می‌شود و بحث

تمکین و نشوز مورد بحث نیست؛ اما تکالیف قراردادی که در ازدواج مطرح می‌شود باید رعایت شود اصل به پرداخت نفقه در قانون فرانسه الزام‌آور است؛ اما تعیین میزان نفقه با توجه به شرایط و اجرای تکالیف ممکن است کاهش یابد همچنین سلب حق نفقه ممکن است در بلندمدت بر این اصل اثرگذار باشد (ایوزبی، ۲۰۲۰). در حقوق فرانسه، زوج برای مادام العمر وظیفه حمایت از زن را بر عهده دارد و نفقه تعهدی است که طی آن یک نفر که دارای امکانات بوده مکلف به تأمین امرار معاش (نفقه) شخص دیگری می‌باشد. در این کشور، تکلیف معاضدت و یاری و تعهد مشارکت در مخارج ازدواج مبنای رابطه نفقه میان زوجین را تشکیل می‌دهد.

## ۵-۲. مهریه

«مهر» یا صدق واژه‌های عربی هستند که معادل فارسی آن‌ها اصطلاح «کابین» است (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۵، ۱۶۸). تعیین مهر در ایران برگرفته از اسلام است. از آنجایی که بیشتر مردم ایران مسلمان هستند. در نتیجه در ازدواج‌های منعقد مهر نیز تعیین می‌نمایند. با این همه گفتنی است که مهریه از احکام امضایی اسلام است. «یکی از سنت‌های بسیار کهن در روابط خانوادگی این بوده است که مرد هنگام ازدواج برای زن حق «مهر» قائل می‌شده و چیزی از مال خود به زن یا پدرزن می‌پرداخته است. شرع مقدس اسلام نیز حق «مهریه» را برای زن تأیید کرده و قوانین خاصی برای آن بیان کرده است» (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۵، ۱۵۹).

در قرآن مجید مهریه با واژه‌هایی همچون صدق و فریضه بیان شده است. آیه ۴ سوره مبارکه نساء «به موضوع مهریه پرداخته است این آیه بیان می‌دارد که

مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آن‌ها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند از آن برخوردار شوید که آن شما را گوارا و حلال خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد قرآن کریم در این آیه به صراحت واژه‌ی «صدقاتهن نحل» را به کار گرفته است. بسیاری از نویسندگان این اصطلاح را معادل واژه‌ی مهریه می‌دانند. گفتنی است قرآن کریم واژه‌ی «مهریه» را به کار نگرفته است. «صدقه (به ضم دال) و صدقه (به فتح دال) و صدق، هر سه به معنای مهریه‌ای است که به زنان داده می‌شود و کلمه نحل به معنای هدیه و عطیه‌ای است که شارع مقرر کرده و به زوجه تعلق می‌گیرد» (محقق داماد، ۱۳۹۸، ۷۰). افزون بر این آیه آیات دیگری از قرآن کریم به موضوع مهریه اختصاص یافته است. از جمله‌ی این آیات می‌توان به آیه‌ی ۲۳۷ سوره بقره اشاره کرد. این آیه مقرر می‌دارد: «وإن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن و قد فرضتم لهن فريضة فنصف ما فرضتم»؛ گناهی بر شما نیست اگر زنان را قبل از اینکه با آن‌ها تماس پیدا کنید (و آمیزش جنسی انجام دهید) و تعیین مهر نمایید، طلاق دهید. در این آیه قرآن کریم از واژه‌ی «فریضه» استفاده می‌نماید. برخی از حقوق دانان بر این باورند که اصطلاح «فریضه» به کار گرفته شده در این آیه معادل و هم معنای اصطلاح «نحل» است که عطیه و هدیه‌ای بدون عوض است. افزون بر آیات فوق قرآن کریم در آیه ۲۴ از سوره نساء به مهریه اشاره نموده است. این آیه مقرر می‌دارد: «فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن»؛ یعنی از زنانی که استمتع می‌برید، اجر آنان را پرداخت نمایید. علمای امامیه معتقدند که اصطلاح «اجورهن» معادل واژه‌ی مهریه است. با این همه این

فقها بر این باورند که این آیه اختصاص به نکاح موقت دارد و این حکم کماکان پابرجاست در حالی که فقهایی عامه معتقدند که خلیفه دوم این حکم را نسخ نموده است.

## ۵-۲-۱. تبیین جایگاه قانونی مهریه در حقوق ایران و فرانسه

در حقوق فرانسه نهادی به نام مهریه وجود ندارد. با این حال زوجین می توانند در زمان طلاق اموالی را به صورت توافقی به یکدیگر ببخشند. در فرانسه این اموال، در زمان طلاق به صورت مساوی از طریق رأی دادگاه تقسیم شده و گاهی حتی حقوق بازنشستگی نیز در نظر گرفته می شود. در حقوق ایران به نظر می رسد، در برخی موارد زوجین شخصاً مسئول تعیین مهریه هستند و در برخی موارد دیگر عرف تعیین کننده میزان مهریه است. قانون مدنی به صورت صریح مشخص ننموده است که چه کسی مسئول تعیین مهریه است؛ ولی به صورت ضمنی به این موضوع پرداخته است. در این خصوص ماده‌ی ۱۰۸۰ قانون مدنی مقرر می دارد: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است» (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۵، ۷۸). بر مبنای این ماده می توان گفت که اختیار تعیین مهر به صورت اشتراکی بر عهده‌ی زوجین قرار داده شده است که باید به توافق برسند. در چنین بستری هیچ یک از زوجین نمی تواند اراده‌ی خود را بر دیگری تحمیل بنماید. همچنین ماده‌ی ۱۰۸۹ قانون مدنی مقرر می دارد: «ممکن است اختیار تعیین مهر به شوهر یا شخص ثالثی داده شود.» بر مبنای این ماده اصل بر این است که اختیار تعیین میزان مهریه بر عهده زوجین به صورت اشتراکی است. با این همه زوجین می توانند این اختیار را به شخص ثالثی

تفویض بنمایند. باتوجه به این که ماده‌ی ۱۰۸۹ واژه‌ی شخص ثالث را به صورت مطلق به کار گرفته است. به نظر می رسد به هر فردی حتی خویشاوندان نزدیک زوجه مانند پدر و یا مادر وی نیز زوجین می توانند تفویض اختیار بنمایند. گفتنی است زوجین حتی می توانند به خود زوجه نیز تفویض اختیار بنمایند. در چنین بستری باید توجه داشت که بر مبنای ماده‌ی ۱۰۹۰ قانون مدنی: «اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمی تواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.»

با این همه این پرسش مطرح می گردد که آیا زن در چنین فرضی حق دارد از حق حبس پیش بینی شده در ماده‌ی ۱۰۸۵ استفاده بنماید؟ در پاسخ به این پرسش می توان گفت، از آنجایی که، یکی از شروط اصلی برای اعمال ماده‌ی ۱۰۸۵ حال بودن مهر است؛ در فرضی که مهر تعیین نشده به هیچ عنوان نمی توان گفت که مهر حال است؛ در نتیجه این حق از زن زایل می شود و در چنین بستری زن ناچار به ایفای وظایف زوجیت است و اگر در چنین بستری زن اقدام به ایفای وظایف زوجیت نمود مستحق مهرالمثل خواهد بود. با این همه به این نکته‌ی ظریف باید توجه داشت که پرداخت مهرالمثل بر مبنای ماده‌ی ۱۰۸۷ قانون مدنی منوط به تحقق نزدیکی است؛ بنابراین اگر بین زوجین نزدیکی صورت نگرفته باشد و زن نیز تمام وظایف زوجیت به جز نزدیکی را (خواه به هر دلیل حتی اگر خود شوهر رغبت به این امر نداشته باشد) ایفا نموده باشد؛ باز به نظر می رسد زن نمی تواند درخواست مهرالمثل را بنماید. به نظر می رسد در چنین بستری زن باید با شوهر به توافق برسد و هیچ راه دیگری وجود ندارد و در چنین بستری تنها می تواند نفقه اش را درخواست بنماید. با این همه به

نظر می‌رسد این حالت یکی از خلأهای اصلی قانون مدنی است که نیاز به اصلاح دارد.

### ۵-۲-۲. ماهیت حقوقی مهریه

حقوق دانان ماهیت مهریه را به تبعیت از قول مشهور فقها بررسی کرده‌اند؛ به این معنا که بسیاری از آنها ضمن قبول جنبه‌های متعالی عقد نکاح، برخی از آثار آن را مثل الزام زوج به پرداخت مهریه، دارای موقعیتی مشابه با عوض در معاملات دانسته‌اند (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ۱۶۵)، اما در نهایت امر آنها نیز ماهیت معاوضی عقد نکاح را نپذیرفته، آن را از عقود معاوضه نمی‌دانند. به عنوان نمونه، یکی از حقوق دانان نکاح را دارای دو جنبه عمومی (عبادی) و خصوصی (فرعی) می‌داند که جنبه عمومی همان رابطه بسیط زوجیت بین زن و شوهر است و دیگری جنبه فرعی و خصوصی است که جنبه مالی نکاح است و در خارج به صورت مهریه در می‌آید. جنبه خصوصی نکاح به اعتبار نزدیکی بین زوجین، مانند عقود معاوضی است که اگر در موردی به حکم مخصوصی تصریح نکنند، تا آنجا که به حقوق عمومی و جنبه مذهبی آن لطمه‌ای وارد نیاید، اصول و قواعد مربوط به معاوضات در آن رعایت می‌شود. در موارد مربوط به مهریه در مورد فسخ و طلاق دیده می‌شود که اصول و قواعد مزبور رعایت شده، ولی این امر نمی‌تواند نکاح را از جنبه عمومی خارج سازد و آن را از عقود معاوضه، بیع یا اجاره قرار دهد؛ از این رو، در نکاح نمی‌توان شرط خیار فسخ قرار داد و یا آن را اقاله کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۲۵۴-۲۵۳).

### ۵-۳. اجرت‌المثل و نحله در حقوق ایران و فرانسه

در اجرت‌المثل و نحله بر مبنای حقوق ایران و قانون فرانسه عدم تبرع حاکمیت می‌کند. این اصل به قصد تملیک و بخشش بستگی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۹۸). ماهیت عقد تعیین‌کننده سطح اجرت‌المثل است و همچنین میزان تملیک علمی ارادی را مشخص می‌کند و تابع نیست و انگیزه تملیک کننده به شمار می‌رود. این موضوع سبب شده است که تراضی به صورت مستقیم صورت گیرد. اجرت‌المثل و نحله در ماده ۳۳۶ قانون مدنی و همچنین ماده ۲۶۸ قانون مدنی مورد بحث قرار گرفته است و از آن به عنوان عدم تبرع در بلندمدت بحث می‌شود. بر اساس این رویکرد زمانی کسی چیزی یا تعهدی می‌دهد مقروض است و تا استرداد آن از سوی گیرنده صورت نگرفته باشد دین باقی می‌کنند و که موضوع عدم تبرع را مشخص می‌کند. عدم تبرع در این حالت یک کارکرد اصلی است که در عرف مستحق اجرتی صورت می‌گیرد (امامی، ۱۳۹۸، ج ۵، ۹۴). نحله و اجرت‌المثل به روابط زوجین نیز باز می‌گردد. زوجه در صورت خانه‌داری فرض عدم تبرع در قبال اجرت اعمال خانه را پوشش می‌دهد. اگر زن به دلیل رابطه عاطفی و حفظ نظام خانواده اجرت خود را مطالبه نکند دلیل بر عدم وجود و عدم استحقاق به دریافت نیست. در گذشته این عمل زوجه قصد تبرع زوجه به شمار می‌رفته است و ابراء به عنوان مدیون یک کارکرده عملی و دایمی نبوده است. ابراء در این حالت بقای دین را شامل می‌شود و اراده محکم را نشان می‌دهد و الزام به اختیار را روشن می‌کند که باید مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، مسئله ابراء مطرح است. ابراء

یک بقای دین برای زوج مطرح می‌شود که باید به-  
 زوجه پرداخت نماید. لزوم اختیار برای ابزار کننده در  
 این حالت باید بر اساس اراده محکم صورت گیرد به-  
 عبارتی باید نفقه زوجه به صورت کامل پرداخت شود.  
 در این حوزه کارهای خانه دارای اجرت‌المثل است  
 که همسر باید آن را به زوجه پرداخت نماید و این حق  
 بر ابراء است که تعیین می‌کند زوجه شرعاً چه  
 جایگاهی را به دستور ازدواج به دست می‌آورد. این  
 موضوع بر مبنای قانون طلاب مصوب ۱۳۷۱ به تأیید  
 رسیده است (اسماعیلی؛ توکلی‌نیا، ۱۳۹۵، ۲۳۴).  
 بنابراین، زوجه می‌تواند با استناد به مواد فوق در  
 صورت حصول شرایط ذیل، اجرت‌المثل ایام زوجیت  
 را از زوج مطالبه کند.

### ۵-۳-۱. جایگاه اجرت‌المثل در حقوق ایران و

#### فرانسه

از منظر اخلاقی تأکید شده است زوجه باید خسارات  
 ناشی از جداشدن از زوج را دریافت کند حتی اگر  
 زندگی آن‌ها کوتاه باشد و دوران زندگی آن‌ها مختصر  
 شکل گرفته باشد. زوجه در این حالت باید بر مبنای  
 اجرت‌المثل اقدام به دریافت خسارت خود نماید  
 (چتریوت، ۲۰۱۸، ۳۷). در حقوق فرانسه زن برای هر  
 نوع فعالیتی که انجام می‌دهد لایق دریافت حقوق و  
 دستمزد است. این موضوع در احکام ارائه شده در  
 شعبه دیوان عالی مصوب ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ مورد تأکید  
 قرار گرفته است. همچنین در سال ۱۹۸۳ تحقیقاتی  
 قضایی نشان داد که توزیع منصفانه در زندگی  
 همسران در فرانسه شامل پرداخت حقوق زوجه در  
 همه شئون ممکن است (بروکس، ۲۰۱۱، ۶۴). در  
 قانون فرانسه ازدواج یک قرارداد است که بخش‌های  
 مالی آن بسیار پررنگ دیده می‌شود. ازدواج باید

حدود اختیارات زوجین را به گونه‌ای تغییر دهد که با  
 زندگی در کنار هم دچار اشتباه نشوند. در این حالت  
 اختیارات زن و شوهر باید به گونه‌ای تعریف شود که  
 به زوجه آسیب وارد نشود. تصرف در اموال در این  
 حالت بسیار ضروری است. شوهر باید بر منای قانون  
 تمامی حقوق زن در حوزه‌های تصرف اموال،  
 اختیارات و همچنین انتخاب‌های قراردادهای مالی را  
 مورد تأیید قرار دهد (جورجس؛ جورجس، ۱۹۸۷، ۴۷).  
 «رویه قضایی فرانسه، اجرت‌المثل فعالیت‌های  
 خانه‌داری زن را در رژیم‌های افتراق اموال نادیده  
 نگرفته است، بلکه احکام صادره از شعبه اول دیوان  
 عالی در امور مدنی در تاریخ‌های ۲۴ اکتبر ۱۹۹۵ و  
 ۳ ژوئیه ۱۹۹۶ م. بر این مطلب تأکید دارد. یک  
 حقوق‌دان فرانسوی در سال ۱۹۸۳ م. با تحقیقاتی که  
 کرده بود، مشاهده نمود که قضات به منظور توزیع  
 منصفانه اموال زندگی مشترک، از این نوع تصمیمات،  
 کمک می‌جویند» (مالاوری؛ لوران، ۱۹۸۹، ۸۱).

همچنین قرائن در این حالت نشان می‌دهد که عدم  
 تبرع ممکن است؛ مورد اجرا نباشد. در صورتی که در  
 مدت درخواست اجرت‌المثل زندگی زوجه مناسب  
 باشد و این زندگی مسالمت‌آمیز باشد، تمسک به اصل  
 عدم تبرع زن امکان‌پذیر نیست و وی مستحق چنین  
 امری نیست. همچنین زندگی مسالمت‌آمیز به معنی  
 ایجاد اماره تبرعی است که موضوع اجرت‌المثل را  
 تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۹۹-۲۰۱).  
 پرداخت این حق و نحله از حقوق اساسی و مالی زنان  
 در ادعای طلاق و پس از آن است که باید بر اساس  
 شرایط زوجه در نظر گرفته شود. اینکه به یک زن  
 اجرت‌المثل تعلق گیرد بر اساس ماده ۳۳۶ قانون  
 مدنی و ماده ۳۲ قانون حمایت از خانواده یک نحله  
 به‌شمار می‌رود که به زوجه تعلق می‌گردد. امورات

اجرت مورد تأیید باشد. زنان به قصد تبرع مستحق هستند. اعمال متعارفی که قاعداً اجرت دارند از منظر فقهی انجام آن‌ها توسط زوجه دارای اجرت است و این اجرت مورد تأیید است. قصد تبرع در این حالت اعمالی را شامل می‌شود که برای آن‌ها دادن اجرت دارای عرف است؛ اما در منزل توسط زوجه بدون هر نوع عرفی صورت می‌گیرد (ارغوانی؛ پورطلوعی، ۱۳۹۴، ۱۵۲).

#### ۴-۵. ماهیت و ویژگی‌های حقوقی ارث در حقوق ایران و فرانسه

انتقال اموال افرادی که فوت می‌کنند به خویشاوندان آنها، یکی از نهادهای حقوقی بسیار قدیمی است که در تمامی جوامع و اعصار مختلف پذیرفته شده و ریشه در تمدن‌های ابتدایی انسان‌ها دارد. در واقع می‌توان عنوان داشت مفهوم ارث رابطه بسیار نزدیکی با مفهوم خانواده و قرابت دارد. از زمانی که خانواده به شیوه نخستین آن شکل گرفت، انتقال مالکیت و تصرف اموال عضو خانواده بر اثر فوت او به دیگر اعضای خانواده، به یک نهاد حقوقی و اعتباری مقبول در جوامع انسانی تبدیل گردید.

#### ۵-۴-۱. ارث در حقوق ایران

مسئله ارث به عنوان یک تکلیف هم در قانون ایران و هم در فقه و تعالیم اسلامی ارائه شده است. ارث به معنی تقسیم اموال فرد بعد از فوت است. ارث گزاره‌های زیادی دارد که تقسیم اموال متوفی را شامل می‌شود. در تمام مراحل پرداخت ارث باید رعایت اصول اخلاقی صورت گیرد. تقسیم اموال متوفی بخش مهمی از کارکردهای اخلاقی تعالیم اسلامی است که مورد تأیید قرار گرفته است. این موضوع مورد پذیرش است که تقسیم اموال متوفی بر

روزمه منزل در این حالت یک کارکرد اساسی برای تعیین اجرت‌المثل زن در زمان طلاق به شمار می‌رود که مستلزم پرداخت بعد از درخواست زوجه در امر طلاق است (سادات موسوی، ۱۳۹۶، ۱۰). پرداخت اجرت‌المثل و نحله جزء حقوق زنان در زمان طلاق است که با شرایطی خاص، به زن تعلق می‌گیرد. اگر زن کارهای خانه را انجام دهد و زوج بنا بر دلایلی بخواهد وی را طلاق دهد؛ به زوجه اجرت‌المثل تعلق می‌گیرد. نحله هم بخشی از طرف زوج است که در مقابل آن عوضی نمی‌باشد که در زمان طلاق شایسته است، به زوجه پرداخت شود.

#### ۵-۳-۲. مقررات حمایتی برای پس از انحلال نکاح در حقوق ایران و فرانسه

زنان در جامعه ایران خانه‌داری می‌کنند. این یک امر عرفی است که از سوی جامعه مورد پذیرش قرار گرفته است. در این حالت این رویکرد عرفی به گرما بخشی و نگهداری کیان خانواده منجر می‌شود. همچنین زنان ممکن است در فعالیت‌های خارج از منزل مشغول باشند و حقوق خود را برای خانواده خرج نمایند. کارهایی مانند شستشو، پخت‌وپز به صورت حقوق جز و وظایف زن در خانه نیست این کارها ارزش اقتصادی دارند و مستلزم پرداخت حقوق از سوی زوج هستند این موضوع به گزاره اجرت‌المثل منجر می‌شود. همچنین زنان باید در قبال شیردادن فرزند اجرت دریافت نمایند که مورد تأیید آیه ۶ سوره طلاق است (محقق داماد، ۱۳۹۸، ۸۴). این مسئله در دیدگاه فقهی مورد تأیید است و محققینی مانند محقق علی و همچنین محققین اهل سنت این موضوع را مورد تأیید قرار داده‌اند. در این رویکرد قصد تبرع مورد تأیید قرار گرفته است و باید بر اساس

اساس اماره‌های شرعی صورت می‌گیرد و دست‌مایه اصلی قانونی برای ارث جنبه‌های فقهی آن است. در خصوص ارث احوال شخصیه و همچنین ارث از جانب متوفی برای زوجه مورد بررسی است. به‌صورتی که یکی از حقوق زوجه در ازدواج دریافت ارث است. البته در پرداخت ارث به زوجه در قبال زوجیت برخی اثرات جنسیتی وجود دارد از منظر عرف و قانون مورد تأیید قرار گرفته است (طوسی، ۱۳۸۷، ۲۳۴). سهم ارث زوجه در صورت داشتن فرزند یک هشتم و در صورت نداشتن فرزند یک چهارم از اموال زوج را به ارث می‌برد. در صورتی که متوفی دارای چند زوجه باشد سهم آنان چه یک چهارم (در صورت نداشتن فرزند) و چه یک هشتم (در صورت وجود فرزند) به نسبت مساوی بین آنان تقسیم می‌گردد.

#### ۵-۴-۲. ارث در حقوق فرانسه

مبنای قانونی ارث در حقوق فرانسه قانون مدنی است. ارث در قانون فرانسه بر مبنای ارتباط ژنتیکی افراد ایجاد می‌شود. البته ازدواج عمل مهمی در ایجاد ارث است. این مفهوم یکی از ارکان چهار محور اصلی اثر در حقوق فرانسه را شامل می‌شود البته باید در نظر گرفت که ارث در حقوق فرانسه برای زندگی مشترک بر اساس علقه زوجیت شکل می‌گیرد. به‌این معنی که اثرگذاری می‌تواند اختیاری بین زن و شوهر صورت گیرد (زحمت‌کش؛ موسوی، ۱۳۹۹، ۸۲). این رویکرد مبتنی بر ماده ۷۳۱ قانون مدنی، ماده ۹۴۰ و ۱۰۷۷ قانون مدنی است. وراثت سه طبقه هستند: طبقه‌ی نخست، شامل فرزندان و اولاد ایشان تا هر قدر که پایین بروند، همچنین طبقات دوم و طبقه سوم نیز در نظر گرفته می‌شود. طبقه سوم شامل نقش اصلی صعودی برای ارث هستند. امکان

ارث‌بردن در بین زوجین، دائمی بودن عقد نکاح است (بروکس، ۲۰۱۱، ۶۴). همچنین ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی و ماده ۹۴۳ قانون مدنی فرانسه این موضوع را مورد تأیید قرار داده است. استناد بند ۲ ماده‌ی ۸ قانون امور حسبی و ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی نیز عقد نکاح را عامل مهمی در ارث زوجه به‌شمار می‌آورد. ماده ۱۱۵۰ قانون فرانسه نقش عده را در این خصوص ضروری می‌داند و آن را تأیید می‌کند. مسئله بعدی طلاق رجعی است. این طلاق در حکم زوجه تعریف می‌شود (امامی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۱۷۵). از سوی دیگر ماده ۹۴۴ قانون مدنی موضوع مریضی زن را مطرح کرده است و بیان می‌دارد در صورتی زن به‌دلیل مریضی طلاق گرفته باشد و یک سال بعد از فوت شوهر هنوز ازدواج‌نکرده باشد از متوفی ارث می‌برد، این موضوع در خصوص طلاق بائن که غیرقابل برگشت نیز است صدق می‌کند. فحوای ماده ۹۴۵ قانون مدنی نیز این موضوع را مورد تأیید قرار داده است. اگر مردی در حالتی که مریض است زنی را به عقد خود درآورد و بمیرد زن بر مبنای قانون از مرد ارث می‌برد. البته یک شرط در این خصوص تعریف شده است و آن اینکه بین زن و مرد آمیزش صورت گرفته باشد (وردی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ۶-۵). در حقوق فرانسه زیان‌دیده به ورثه منتقل می‌شود و مورد مطالبه ورثه است (مازو و همکاران، ۱۹۹۸، ۷۰۵).

#### ۶. نتیجه

برخی از حقوق مالی زوجه در نظام حقوقی ایران دارای مبانی و آثار می‌باشد و لیکن چنین نهادی در کشورهای غربی از جمله کشور فرانسه یافت نمی‌شود. حق مالی نفقه در نظام حقوقی ایران تکلیفی است برای زوج نسبت به‌زوجه که با تحقق

حق طلاق برای زوجه شود. در حقوق ایران زوج ابتدا ملزم به پرداخت نفقه زوجه بوده و پس از آن در صورت وجود مازاد، موظف به پرداخت نفقه اقارب است و نفقه زوجه مقدم بر نفقه اقارب است.

#### ۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

شرایطی به وجود می‌آید و زوج ملزم به تأمین هزینه‌های زندگی مشترک می‌باشد. اگر زن ناشزه باشد؛ یعنی بدون دلیل موجه از انجام وظایف زناشویی امتناع کند، نمی‌تواند از شوهر خود نفقه بگیرد. حق مالی نفقه در نظام حقوقی فرانسه تکلیفی متقابل و طرفینی است که به موجب آن زوجین متعهد می‌گردند که با مشارکت یکدیگر به تأمین هزینه زندگی مشترک اقدام نمایند. نفقه از آثار زوجیت می‌باشد نه ریاست مرد بر خانواده بدین جهت در صورت بروز سفاقت در زوج قیم وی می‌بایست از اموال سفیه نفقه همسر او را پرداخت نماید.

قانون فرانسه به جای مهریه از اجرت‌المثل و تنصیف دارایی صحبت می‌کند که در حقوق ایران مورد بحث واقع نشده است. در حقوق فرانسه حقوق مالی زوجین دارای مبنای اخلاقی است که مورد توجه ویژه این نوع از قانون‌گذاری قرار گرفته است. در ایران و فرانسه مبنای اخلاقی دارای احکام مختلفی هستند که در برخی حالات با یکدیگر همخوانی ندارند؛ اما در بسیار موارد قانون عرفی با توجه به اخلاق شکل گرفته است که مورد تأیید قانون‌گذار ایران است. مبنای قانون‌گذاری فرانسه بیشتر قانون مدنی باشد؛ در حالی که در ایران بیشتر مبنای عرفی قانون‌گذار احکام فقهی است. در حقوق ایران تکلیف پرداخت نفقه یک تکلیف یک‌جانبه محسوب می‌شود و تنها زوج مکلف به پرداخت نفقه به زوجه است، در حالی که در حقوق فرانسه وضعیت نفقه به گونه دیگری است و یک تکلیف دوجانبه است. طبق موازین حقوقی ایران، چنانچه زوج از پرداخت نفقه زوجه استنکاف ورزد، حاکم وی را مجبور به پرداخت نفقه می‌کند و یا از اموال وی نفقه زوجه و فرزندان را تأمین می‌نماید و عدم پرداخت نفقه تحت شرایطی می‌تواند باعث ایجاد

## منابع

## فارسی

در مدیریت - اقتصاد و حسابداری و علوم انسانی،  
۱۳۹۶.

- صادقی، حسین، «بررسی تفاوت نحله و اجرت‌المثل  
در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق،  
شماره بیست و دو، ۱۳۹۷.

- صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله، مختصر حقوق  
خانواده، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات میزان،  
۱۳۹۵.

- عباس‌زاده محمودی، مهسا؛ میر، منصور، «حقوق  
مالی زوجین در حقوق ایران و فرانسه»، شیراز،  
کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت-  
حسابداری- حقوق و علوم اجتماعی، ۱۳۹۶.

- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده،  
چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.  
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، چاپ هفدهم، تهران،  
انتشارات میزان، ۱۳۸۹.

- محسنی، سعید، «نفقه زوجه در حقوق ایران با  
مطالعه تطبیقی در فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،  
به راهنمایی استاد علی مصلحی، دانشگاه امام  
صادق (ع)، ۱۳۹۷.

- محقق داماد، سید مصطفی، نظریه عمومی نفی  
دشواری در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، مرکز نشر  
علوم اسلامی، ۱۳۹۸.

- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ  
بیست و سوم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰.

- ملائی، علیرضا، «بررسی تطبیقی نحوه ارث‌بری زوج  
و زوجه از منظر قانون ایران و فقه اسلامی با سایر ادیان

- ارغوانی، فریبا؛ پورطلوعی، عادل اصغر، «حقوق مالی  
زن از دیدگاه اسلام و غرب»، تهران، اولین کنگره علمی  
پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و  
روان‌شناسی - جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی  
ایران، ۱۳۹۴.

- اسماعیلی، محسن؛ توکلی‌کیا، امیر، «شرط ارتکازی  
در فقه امامیه و حقوق ایران»، نشریه پژوهش‌نامه حقوق  
اسلامی، شماره سی و چهار، ۱۳۹۰.

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد سوم، چاپ بیست و  
نه، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰.

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد سوم. چاپ دهم،  
تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳.

- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ سی و  
سوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه عمومی علم  
حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.  
- دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ لغت فارسی، چاپ  
سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

- زحمت‌کش، منوچهر؛ موسوی، سید صادق، «بررسی  
تطبیقی طبقات ارث در فقه شیعه، اهل سنت و حقوق  
فرانسه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی»، تهران،  
پژوهش‌نامه متین، شماره هشتاد و شش، ۱۳۹۹.

- سادات موسوی، مریم، «نحله و اجرت‌المثل از منظر  
فقه و حقوق ایران»، شیراز، چهارمین کنفرانس جهانی  
و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان

### لاتین

- Bezes, Philippe, Réinventer l'État les réformes de l'administration française (1962- 2008), 3th edition, France, Publishing Universitaires de France, 2015.
- Boigeol, Anne; Dezalay, Yves, «De l'agent d'affaires au barreau les conseils juridiques et la construction d'un espace professionnel», Journal of Genèses, No. 27, 1997.
- Brooks, Robert A, Cheaper by the Hour Temporary Lawyers and the Deprofessionalization of the Law, 2th edition, New York, Temple University Press, 2011.
- Chatriot, Alain, «La difficile écriture de l'histoire du Conseil d'État», Journal of French Politics, Culture & Society, No. 3, 2018.
- Euzeby, SG, «Therapeutice Simulation and the Right to Health in the Realm International Human Rights», Politic and law Journal, No. 2, 2020.
- Georges, Hubrecht; Georges, Vermell, Notions essentielles (Droit civil), 15th edition, New York, Publisher Sirey, 1987
- Malaurie, Philippe; Laurent, Aynès, Cours de droits civile La famille, 2th edition, Paris, Editeur Éd Cujas, 1989.

الهی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد اختر سلطانی، ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، ۱۳۹۹.

- وردی زاده، حمیدالله؛ قریشی، سید مهدی؛ نیکخواه سرنقی، رضا، «ارث زوجه در فقه امامیه و حقوق ایران»، تهران، دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۳۹۶.

### عربی

- حرعاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی، عنایه الاصول فی شرح کفایه الاصول، چاپ اول، قم، کتاب فروشی فیروز آبادی، ۱۴۲۶.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ چهارم، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹.

- Massot, Jean; Girardot, Thierry, Le Conseil d'Etat, 1th edition, California, Publisher Documentation française 1999.
- Mazeaud, Henri; Mazeaud, Léon; Mazeaud, Jean; Chabas, François, « Obligations Théorie générale », Journal of Montchrestien, No.44, 1998.